

اوضاع سياسي چشم انداز، مواضع و سياستهاي ما

براي استقرار يك جمهوري لائیک و متکي بر اراده مردم متحد شويم

1- با تشكيل مجلس هفتم، از طريق يك انتخابات فرمايشي و حذف کامل جناح اصلاح طلب از سوي شوراي نگهبان، دوره ديگري در حيات جمهوري اسلامي آغاز شده است. جمهوري اسلامي امروز ديگر كاملا از هرگونه حمايت مردم قطع اميد نموده است. نمايش قدرت در قبضه مجلس و برنامه ريزي براي تسخير دولت، نتايج متضاد و متناقضي ببار خواهد آورد:

از يك سو اختلافات داخلي حكومت و شكاف بين نهادهاي مختلف نسبتا كمتر و حكومت يك دست تر شده و قدرت تحرك و امكان سرکوب تقويت خواهد شد. از سوي ديگر با کاهش دوگانگي در حكومت، جهت اصلي مبارزات مردم متوجه اين يا آن جناح از حكومت نخواهد شد، بلکه كل حكومت را نشانه خواهد گرفت.

در عين حال حذف تحقير آميز اصلاح طلبان حكومتي، بخش مهمي از نيروهائي را كه تا ديروز مدافع حكومت و جزئي از آن بودند، به صف اپوزيسيون رانده، و يا عملا خنثي و خانه نشين خواهد نمود.

انتصاب پيشاپيش نمايندگان مجلس، هراس از راي كنترل شده مردم و استفاده از زور در برابر حتي نيروهاي درون حكومت، نشانه نه قدرت بلکه ناتواني در برابر پيشرفت جنبش آزاديخواهانه مردم و انعكاس ادامه بي توجهي حكومتمگران به بحران هاي فزاينده سياسي، اجتماعي و اقتصادي در کشور است.

2- تداوم 25 سال حكومت جمهوري اسلامي جامعه ما را در بحران هاي عميق اجتماعي، اقتصادي و سياسي فرو برده است. بي حقيقي كامل مردم، تعرض حكومت بر مطبوعات، جنبش هاي اجتماعي، بازداشت ها و محاکمه مخالفين سياسي، فعالين جنبش هاي اجتماعي، روشنفكران و روزنامه نگاران، دخالت دارودسته هاي سرکوبگر رسمي و غيررسمي حكومتي در ارکان زندگي اجتماعي و حتي حریم خصوصي شهروندان، به همراه بيكاري، فقر و بي چشم اندازي اقتصادي و سياسي حاکم بر جامعه، و اقتصاد زیرزميني شيرازه زندگي اقشار وسيعي از مردم را از هم گسيخته است. اقتصاد کشور ورشکسته است. کارخانه ها يکي پس از ديگري تعطيل مي شوند و خيل بيکاران کشور سربه ميليونها مي زند. کارگران و حقوق بگيران کشور ماه ها در انتظار پرداخت حقوق شان در انتظار مي مانند. نسل جوان کشور که بيش از نيمي از جمعيت فعال جامعه را تشكيل مي دهد، بدون چشم انداز ورود به چرخه اقتصادي کشور، بدون آينده و بدون هرگونه برنامه اي به حال خود رها شده است.

اولين گام براي راه خروج از نابساماني هاي موجود، و حل بحران هاي اجتماعي، اقتصادي و سياسي ايران، برچيده شدن بساط جمهوري اسلامي و حاکم شدن اراده و انتخاب مردم بر سرنوشت کشور است.

3- تحولات سال هاي اخير، بيش از پيش بر اين واقعيت مهر تاکيد گذاشت که نظام جمهوري اسلامي در اساس خود يك نظام ضد دمکراتيك و غيرقابل اصلاح است. استبداد جزو ذات اين نظام و زير پا نهادن راي مردم جزو بنیان هاي اصلي موجوديت آن است. قانون اساسي جمهوري اسلامي با تلفيق دين و دولت و سپردن اختيارات بي حدوحد بر ولي فقيه، از فرماندهي كل قوا تا حق تسلط مستقيم و غيرمستقيم بر کلیه قوا، از تصرف بر حقوق ملت تا لغو حق انتخاب آزادانه مردم، حق حاکميت مردم را ملغي نموده است و تفوق اراده مفسران دين بر اراده و راي مردم را تثبيت کرده است. اين قانون مبناي نه حكومت قانون، بلکه بي قانوني حاکم بر کشور و بيان عريان آن است. تبعيض بين زن و مرد، مسلمان و غيرمسلمان، شيعة و غير شيعة... روح حاکم بر اين قانون است.

تقلاي اصلاح طلبان حكومتي براي نجات حكومت در چارچوب اين قانون ماهيت آن را هرچه عريان تر ساخت و نه تنها ساخت تغيير قانون اساسي جمهوري اسلامي بلکه بر چيده شدن كليت اين نظام را به يك تمايل همگاني تبديل نمود.

4- امروز در کشور ما جنبش آزادی خواهی و دموکراسی خواهی و عدالت طلبی یک جنبش وسیع و در مقیاس سراسری است و نقطه اتکاء آن جنبش های اجتماعی اقشار و طبقات و گروه های اجتماعی مختلف مردم اعم از زنان و جوانان، کارگران، معلمان، دانشجویان، دانشگاهیان، و نیز جنبش های ملی در میان ملیت های متعدد کشور است.

فعال ترین نیروی جنبش دموکراسی، جوانان و زنان کشور ما هستند

- جوانان کشور ما در ادامه حکومت اسلامی فاقد آینده و محروم از همه حقوق اولیه انسانی و اسیر دست سانسور و اختناق هستند و حق انتخاب چندانی ندارند. رادیکالیسم و قدرت عمل جنبش در سال های گذشته مرهون حضور جمعیت میلیونی جوانان پرشور کشور بوده است. نیروی جوان چه در قالب جنبش دانشجویی و چه در هیات تشکل ها و سازمان های دانش آموزی و انجمن ها و کانون های غیر دولتی و غیره در جریان تحولات سال های اخیر هر گونه پیوندی با جمهوری اسلامی را قطع می نماید و در اندیشه شکل دادن به آینده ای بدون این حکومت قرون وسطایی است. جنبش دانشجویی در پروسه استقلال خود از حکومت، به یکی از تریبون های مهم انتشار افکار دموکراتیک و سکولار در جامعه فرامی رود.

- زنان کشور ما در طول ۲۵ سال گذشته رسماً از حقوق برابر اجتماعی با مردان محروم شده، به شهروندان درجه دو تقلیل داده شده اند. در محیط خانواده و کار، قانوناً محکوم اراده مردان شده اند. مقاومت زنان در برابر این بی حقوقی اجتماعی همواره یکی از ارگان مقابله با حکومت بوده است و جنبش زنان بزرگ ترین آتشفشان خیزش اجتماعی علیه بی عدالتی و تبعیض حاکم در جمهوری اسلامی است. هم اکنون تشکل ها و فعالین جنبش زنان نقش مهمی را در پیشرفت جنبش دموکراسی در ایران ایفا می کند.

- جامعه روشنفکری، روزنامه نگاران و نویسندگان، اساتید دانشگاه ها، معلمان کشور در پیشرفت جنبش دموکراسی نقش مهمی ایفا نموده و پرچمدار آزادی بیان و انتشار اخبار و اندیشه آزادی خواهی در جامعه هستند.

- جنبش کارگری برای به کرسی نشاندن حق کار، تامین حق زندگی و حداقل معاش در تلاش تحمیل حق تشکل و اعتصاب بر حکومت و به رسمیت شناختن سندیکاها و نمایندگی های مستقل کارگری برای دفاع از حقوق اولیه کارگران است. اعتراضات گسترده کارگران در دو سال گذشته نشان از حضور قدرتمند آنها در صحنه مبارزات اجتماعی و طبقاتی در کشور می باشد.

- جنبش های ملی در میان ملیت های مختلف کشورمان اعم از آذری، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب که به رغم خفقان و سرکوب حاکم تداوم یافته است. این جنبش ها هم چنان بر عدم تمرکز قدرت و سپردن امور داخلی مناطق ملی به انتخاب و اراده خود آن ملیت ها تاکید دارند. تحقق خواسته های ملیت های ساکن ایران تنها در گرو دموکراتیزه شدن کل کشور است.

- مبارزات افشاگرانه و مستمر زندانیان سیاسی و خانواده های آنها در دوسال گذشته یکی از عرصه های افشای رژیم در رابطه با نقض حقوق بشر در عرصه بین المللی و ملی بوده است.

5- مواضع ارتجاعی جمهوری اسلامی در پشتیبانی از جریانات بنیادگرای اسلامی در منطقه، انزوا در مجامع بین المللی و سیاست های ماجراجویانه اتمی آن، کشور ما را در مرکز توجه سیاست های بین المللی و بخصوص سیاست های سلطه جویانه دولت آمریکا و در نتیجه خطر مداخله خارجی قرار داده است.

لشگرکشی دولت آمریکا به منطقه، بعد از ۱۱ سپتامبر، تحت عنوان جنگ علیه تروریسم، حضور نظامی در افغانستان و سپس اشغال عراق تحت عنوان دموکراتیزه کردن این کشور، اعلام رسمی نقشه آمریکا برای تغییرات احتمالی در جغرافیای سیاسی منطقه، از جمله در کشور ما تحت عنوان نقشه خاورمیانه بزرگ که هدف آن تغییر سیمای سیاسی منطقه به نفع سیاست ها و برای تامین مافع دراز مدت دولت آمریکا در این منطقه از نظر استراتژیک مهم برای اقتصاد غرب است، نشان دهنده شرایط حساس در حول حوش کشور ما و ضرورت اکید برخورد مسئولانه با آینده، استقلال و امنیت کشور آن است. در چنین وضعیتی سیاست های جمهوری اسلامی به انحاء مختلف آذوقه لازم برای مداخله در امور کشور ما را عملاً فراهم نموده است.

دولت آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، جمهوری اسلامی را در لیست دولت های «محور شر» در کنار دولت صدام و کره شمالی قرار داده بود. اکنون صدام با لشکرکشی از این محور حذف شده است. تعقیب برنامه های اتمی جمهوری اسلامی از طریق آژانس اتمی سازمان ملل و پافشاری آمریکا بر احاله پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل علیرغم مقاومت اولیه اتحادیه اروپا، نشاندهنده برنامه دراز مدت دولت آمریکا در مورد جمهوری اسلامی است.

وجود جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم ناهمخوان با جهان امروز، عدم پایبندی این رژیم به موازین بین المللی و ادامه سیاست های پان اسلامیستی و ارتجاعی آن در منطقه، خود عامل اصلی تحریک برای مداخله در امور کشور ما و تامین بهانه برای سیاست های جاری ایالات متحده در ادامه لشکر کشی خود در خاورمیانه، تحت عنوان کمک به پروسه دمکراتیزاسیون به شیوه جاری در عراق و در زندان ابوغریب است.

مواضع ما :

1) نیروی تحول در ایران جنبش های سازمان یافته و خودآگاه اقشار مختلف مردم و گروه های اجتماعی است. تحکیم موقعیت این جنبش ها تنها ضامن برچیدن بساط جمهوری اسلامی و منتفی شدن هر گونه بازگشت به استبداد و بی حقوقی در هر شکل دیگری است. دمکراسی در ایران تنها بر بستر رشد و گسترش جنبش های اجتماعی، آزادی احزاب سیاسی با پایگاه ها و برنامه های متفاوت و نهادینه شدن حقوق و آزادی های اولیه انسانی از قبیل آزادی عقیده، بیان، تشکل و تحزب و .. امکانپذیر است.

2) هدف مقدم ما استقرار یک جمهوری دمکراتیک و لائیک به جای نظام جمهوری اسلامی، برای پایان دادن به بحران های مزمن سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ۲۵ ساله اخیر کشورمان در راه استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی می باشد. برای تحقق این امر ما همه نیروهای دمکرات، چپ و آزادیخواه، همه فعالین جنبش های اجتماعی و مدنی، شخصیت ها، جریانات و احزاب ملی را به اتحاد و همکاری برای ایجاد یک نظام متکی بر اراده مردم ایران فرا می خوانیم. شرط ایجاد چنین نظامی احترام به عقیده و مذهب هر شهروندی، جدائی کامل دین از دولت، پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی و به رسمیت شناختن موازین حقوق بشر و تابعیت همه قوانین از رای مردم است. دیالوگ و همکاری نیروهایی که برای سوسیالیسم می رزمند برای رسیدن به زبان مشترک، در خدمت تقویت چنین مبارزه ای قرار می گیرد.

3) ما خواستار رفع هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، مذهب و نژاد هستیم. برابری حقوق زنان با مردان، حق برابر همه شهروندان در برخورداری از امکانات و فرصت ها و مشاغل در سطح کشور و احترام به همه مذاهب و عقاید در کشور هستیم.

ما خواستار حق کار، حق برخورداری از بیمه های اجتماعی، بیکاری و استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی برای عموم مردم هستیم.

ما خواستار عدم تمرکز قدرت و به رسمیت شناختن حقوق دمکراتیک و برابر همه ملیت های ایرانی هستیم.

4) ما مخالف هر گونه مداخله خارجی در کشورمان، تحت هر عنوانی هستیم. دمکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتیبانی نهادهای و جنبش های مترقی بین المللی از مبارزات مردم ایران در راه دمکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی دانیم. ما با احترام به حق تعیین سرنوشت همه ملل جهان، تعیین تکلیف با حکومت اسلامی را حق منحصر به فرد مردم ایران می دانیم.

ما خواستار تامین استقلال و تضمین یکپارچگی عراق و خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر و جایگزینی آن ها با نیروهای صلح سازمان ملل تا برگزاری انتخابات آزاد در این کشور هستیم. ما خواستار عقب نشینی کامل اسرائیل از سرزمین های اشغالی فلسطین، به رسمیت شناختن حق تشکیل دولت مستقل فلسطین، پایان دادن به کشتار مردم بی دفاع و بازگشت طرفین بر سر میز مذاکره بر اساس قطعنامه های سازمان ملل هستیم

در دفاع از خواسته‌ها و مبارزات آزادیخواهانه، دموکراتیک و عدالت‌طلبانه توده‌ها و در جهت رشد و تقویت و ارتقای جنبش‌های اجتماعی جاری مردم در برابر رژیم جمهوری اسلامی، رؤس سیاست‌های سازمان، در این دوره عبارتند از:

1 - افشای گسترده‌تر ماهیت ضد دموکراتیک حکومت جمهوری اسلامی و فقدان مشروعیت آن- که نمایش انتخاباتی مجلس هفتم نیز آن را کاملاً آشکار کرده است- و همه سیاست‌ها و مانورهای ارتجاعی و ضد مردمی این رژیم.

2- طرح و تبلیغ و ترویج هرچه بیشتر اصل جدایی دین از دولت در جهت بسیج گسترده مردم برای مقابله با سیاست‌های رژیم در مورد ادغام دین و دولت، در همه عرصه‌ها و زمینه‌های گوناگون.

3- تلاش در راه تقویت مبارزات صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان و دفاع از حق کار و حیات آنان و مقابله با طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی رژیم که اکثریت مردم را به فلاکت فزاینده‌ای محکوم نموده است.

4- کوشش در راستای شکل‌گیری آلترناتیو دموکراتیک و لائیک در برابر حکومت جمهوری اسلامی، به ویژه از طریق پیشبرد سیاست همکاری، همگرایی و اتحاد مجموعه نیروهایی که در این جهت مبارزه می‌کنند، به ترتیبی که در قطعنامه مربوط به آن طرح و تصویب شده است.